

عنوان مقاله:

تصرفات مولانا در داستان پردازی با رویکرد اطناب

محل انتشار:

پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره 8، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

راضیه جان نثاری - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ایران.

مهدی نوریان - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد، نجف آباد، ایران

حسین مسجدی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور اصفهان، ایران.

محبوبه خراسانی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ایران.

خلاصه مقاله:

تردیدی نیست که مولانا در سرایش مثنوی وامدار متون عرفانی و حکمی پیش از خود است. با وجود این، پاسخ بدین پرسش که چرا مثنوی معنوی یکی از شاهکارهای بی بدیل ادب پارسی است، پرسشی است که سال ها ذهن پژوهشگران این حوزه را متوجه خود کرده است. نبوغ داستان پردازی مولانا نسبت به اخلاف خود یکی از دلایل برتری این اثر است. شاید هیچ شاعری مانند مولانا به این حد در دقایق داستانی تصرف نکرده است. او گاه داستانی را قبض می دهد و آن را در نهایت ایجاز و اختصار بیان می کند و گاه حکایتی را بسط می دهد و آن را در چندصد بیت بیان می کند. در این مقاله، نگارندگان با احصای داستان های گسترش پذیر در مقایسه با مآخذ آن، به تحلیل پنج داستان مثنوی پرداخته اند و میزان تصرفات مولانا را در ساختار حکایت، با رویکرد اطناب مشخص کرده اند تا تفوق حکایات بسیط مثنوی در مقایسه با مآخذ آن آشکار گردد. نتیجه به دست آمده نشان می دهد که بسط (اطناب) داستان در مثنوی، کاملاً آگاهانه و با اهداف مشخصی بوده است.

کلمات کلیدی:

حکایات مثنوی، مآخذ داستان، اطناب، تصرفات داستانی، گسترش روایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1212066>

